

### حس مسئولیت

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود، مهم آن است که مسئولیت‌ها را به خوبی بشناسیم.

انسان، موجودی رها شده نیست تا همانند حیوانات، تمام همتش بر کردن شکم باشد و خود را در برابر هیچ‌کس پاسخگو نداند؛ بلکه تفاوت انسان با سایر موجودات، افزون بر عقل و خرد، وظایفی است که توسط آفریننده انسان برای او وضع شده است تا با عمل به آن‌ها، سعادت دنیا و آخرت را به دست آورد.

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود، [۱] مهم آن است که مسئولیت‌ها را به خوبی بشناسیم و در مقام عمل به وظیفه خود عمل کنیم.

حس مسئولیت، گاه در برابر خود انسان است که تقوا و ترس از خدا بارزترین نمونه آن است. تقوا، احساس مسئولیت از درون را افزایش می‌دهد و انسان باتقوا، همواره یک پلیس معنوی را در درون جان خود حاضر می‌بیند. به همین خاطر در خلوت و تنهایی، همانند زمانی که در منظر دیگران است، در انجام تعهدات و مسئولیت‌های خویش کوتاهی نمی‌کند و در همه حال خدا را شاهد بر اعمال خویش می‌داند و گاه در برابر افراد و محیط پیرامون خویش است که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

### حس مسئولیت نسبت به خانواده

در فرهنگ اسلام، خانواده کانونی مقدس است. در این دین، تمامی اعضای خانواده به‌خصوص همسران در برابر یکدیگر مسئول و موظف به رعایت آن می‌باشند. گرچه مسئولیت‌های تک‌تک اعضای خانواده نسبت به یکدیگر پرشمار است اما مسئولیت مردان بیش از سایر اعضای خانواده است چرا که مدیریت خانواده با مرد است، [۲] و او وظیفه دارد با کردار و رفتار خویش، مهرورزی را در خانواده گسترش دهد و با خدمت به زن [۳] و مهربانی با اعضای خانواده [۴] محیط آرامی را برای اعضای خانواده فراهم آورد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«برادرم جبرئیل برایم خبر می‌آورد و همیشه مرا به زنان سفارش می‌نمود تا آنجا که گمان کردم که جایز نیست که مرد به همسرش اف بگوید». [۵]

اهمیت این مهرورزی تا جایی است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نشستن مرد در کنار خانواده‌اش، نزد خداوند متعال، دوست‌داشتنی‌تر از اعتکاف در این مسجد من است». [۶]

مهرورزی مرد در خانواده سبب خواهد شد تا مسئولیت هدایت خانواده را نیز به‌خوبی عهده‌دار شود. قرآن کریم به همه مؤمنان خطاب می‌کند که: یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ [۷] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه‌دارید».

در این آیه شریفه تعبیر به «قوا» (نگه‌دارید) اشاره به این است که اگر آن‌ها را به حال خود رها کنید خواهناخواه به‌سوی آتش دوزخ پیش می‌روند، شما هستید که باید آن‌ها را از سقوط در آتش دوزخ حفظ کنید.

گرچه اسلام بر امر به معروف و نهی از منکر سفارش بسیاری نموده است اما از آیه فوق به‌خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزندان خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آن‌ها بکوشد، آن‌ها را از گناه باز دارد و به نیکی‌ها دعوت نماید، نه اینکه تنها به تغذیه جسم آن‌ها بسنده کند.

در حدیثی می‌خوانیم هنگامی که آیه «قوا انفسکم و اهلیکم ناراً» نازل شد، یکی از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: چگونه خانواده خود را از آتش دوزخ حفظ کنیم؟ فرمود: «آن‌ها را امر به معروف و نهی از منکر کن، اگر از تو پذیرا شوند، آن‌ها را از آتش دوزخ حفظ کرده‌ای و اگر نپذیرند، وظیفه خود را انجام داده‌ای». [۸]

مهم‌تر اینکه مادر نیز در این زمینه مسئولیت سنگینی بر عهده دارد چنانکه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

«هر یک از شما که [به‌گونه‌ای] سرپرست است، ... مرد، سرپرست خانواده خویش است و درباره آن‌ها از او بازخواست می‌شود. زن نیز سرپرست خانه شوهر خود و فرزندان اوست و درباره آن‌ها از او سؤال خواهد شد.» [۹]

#### حس مسئولیت نسبت به والدین

قرآن کریم پس از امر به عبادت خداوند متعال، تمام انسان‌ها را به احسان به والدین فرمان می‌دهد، فرمانی که اطاعت از آن، عین عبادت و بندگی خدا و سرپیچی از آن، معصیت و موجب عقاب و عذاب در روز قیامت است. [۱۰]

مردی از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «حق پدر و مادر بر فرزند چیست؟ فرمود: هُمَا جَنَّتْكَ وَ نَارُكَ؛ [۱۱] «آن دو، بهشت و جهنم تو هستند». یعنی احسان به آنان و رعایت حقوق‌شان باعث داخل شدن در بهشت و عدم رعایت احترام و حقوق آنان باعث ورود به آتش جهنم است.

ممکن است سؤال شود نیکی به پدر و مادر در زمانی که وضع مالی مناسبی دارند و نیازی به ما ندارند، چگونه است؟ پاسخ این است اولاً در آیه شریفه سخنی از احسان به پدر و مادر فقیر نیست و ثانیاً شخصی چنین پرسشی را از امام صادق علیه السلام پرسش نمود. حضرت در پاسخ فرمود: «مراد از احسان، خوش رفتاری با آنان و اینکه آن‌ها را به درخواست کردن از خودت در مورد آنچه نیاز دارند به‌زحمت نیندازی، هر چند (از نظر مالی) بی‌نیاز باشند.» [۱۲]

این سخن امام به این معنا است که فرزندان مراقب «احساس نیاز والدین» باشند نه منتظر «ابراز و بازگو کردن نیازشان».

یکی از یاران امام صادق علیه السلام می‌گوید: به امام عرض کردم: پدرم به حدی پیر و ناتوان شده که او را برای قضای حاجت به پشت می‌بریم، فرمود: «اگر می‌توانی خودت این کار را انجام دهی، انجام بده و خودت برایش لقمه کن تا سپر آتش فردایت باشد.» [۱۳]

چنان‌که نمایان است فرد مورد اشاره به امام عرض می‌کند ما پدرمان را به دوش می‌بریم. این جمله نشانگر آن است که علاوه بر فرد یاد شده، دیگر فرزندان نیز در این کار مشارکت دارند. امام علیه السلام علاوه بر آنکه کار آنان را تحسین می‌کند، به این نکته تأکید دارد که تا حدی که ممکن است خود، این کار را انجام بدهد و یا در این کار مشارکت داشته باش که چنین کاری تضمین کننده بهشت و سپری برای آتش است.

#### حس مسئولیت نسبت به کار و شغل

اسلام دین کار و کوشش است. از نگاه اسلام کار و کسب درآمد از راه حلال به‌عنوان برترین عبادت و هم‌ردیف مجاهدت در راه خدا معرفی شده است و انسان تلاش‌گر، افزون بر سود مادی، از ثواب‌های اخروی نیز برخوردار است.

افزون بر این، همه حرفه‌ها و اشتغال‌های تولیدی، توزیعی و خدماتی در صورتی‌که با شرایط صحیح و طبق دستور شرع انجام گیرد، علاوه بر تأمین زندگی خود و خانواده و حفظ آبروی شخص و خانواده، یک نوع خدمت به خلق و در واقع یکی از مصداق کارگشایی برای مردم و خوشحال کردن و زدودن غم و اندوه از هموعان است که آثار پرشمار دنیوی و اخروی به همراه خواهد داشت.

به هر روی آنچه نباید مورد غفلت قرار گیرد آنکه انسان مسلمان موظف است نسبت به کار و شغل خود احساس مسئولیت داشته باشد و آن را به‌درستی و بر پایه مسئولیتی که بر عهده گرفته است، انجام دهد. کم‌کاری، کم‌فروشی، تقلب، قبول رشوه، گرفتن مزد در برابر کار بدون تخصص و... نشان از عدم تعهد و فقدان مسئولیت در برابر کار است که ره‌آورد آن ورود مال حرام در زندگی انسان است.

گرچه درباره مال حرام، گفتنی پرشمار است اما به این روایت هشدار دهنده از رسول اکرم صلی الله علیه و آله بسنده می‌کنیم که: إِنَّ أَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَى أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي هَذِهِ الْمَكَايِبُ الْحَرَامُ...؛ [۱۴] «ترسناک‌ترین چیزهایی که بعد از خود بر امت می‌ترسم، درآمدهای حرام است».

## حس مسئولیت نسبت به افراد جامعه

در دین اسلام عبادت و تقرب به خدا، در نماز و روزه و حج و ... خلاصه نمی‌شود، بلکه انجام مسئولیت‌های اجتماعی از جمله احسان و خدمت به بندگان خدا، رفع گرفتاری و حل مشکلات آنان نیز در صورتی‌که با قصد قربت انجام گیرد، از بهترین عبادت‌ها محسوب می‌شود و در برخی موارد از ده‌ها حج و عمره مقبول هم با ارزش‌تر است. [۱۵]

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «اگر تلاش کنم حاجت برادر دینی خودم را بر آورم نزد من محبوب‌تر از این است که هزار بنده آزاد کنم و هزار اسب را با زین و لگام در راه خدا به جبهه جنگ روانه نمایم». [۱۶]

گرچه نیاز مالی، یکی از گسترده‌ترین مشکلاتی است که خانواده‌های بسیاری را در بر گرفته است، اما احسان و کمک به دیگران تنها به کمک مالی ختم نمی‌شود بلکه کمک جانی، زبانی، حرکت برای رفع مشکلات دیگران، خارج کردن مؤمنان از غم و گرفتاری، [۱۷] خدمت به برادران مؤمن، مشورت و راهنمایی برای حل مشکلات یا اختلافات، [۱۸] میانجی‌گری برای ازدواج، [۱۹] فراهم نمودن وسایل ازدواج دیگران، [۲۰] راهنمایی دیگران به خیر و نیکی، [۲۱] صلح ارحام، شاد کردن مؤمنان، [۲۲] تلاش برای رفع نیازهای مردم و ده‌ها مورد دیگر نمونه‌هایی از احسان و نیکوکاری است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر که برای حاجت برادر مسلمانش سعی و کوشش کند تا خدا آن را به دست او روا سازد، خدای عزوجل یک حج و یک عمره و اعتکاف دو ماه در مسجد الحرام را با روزه آنها برایش می‌نویسد و اگر او کوشش کند، ولی خدا بر آوردنش را به دست او جاری نسازد، خدای عزوجل برایش یک حج و یک عمره می‌نویسد». [۲۳]

## حس مسئولیت نسبت به نیازمندان جامعه

سخن پیرامون لزوم مسئولیت فرد جامعه اسلامی در برابر محرومان فراوان، و بارها به آن پرداخته شده است. اهمیت این مسئله به حدی است که امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«انجام دادن یک حج نزد من خوشایندتر از آن است که یک برده یا حتی ده برده یا حتی هفتاد برده را آزاد سازم؛ ولی اگر سرپرستی خانواده‌ای مسلمان را بر عهده بگیرم و گرسنگی آنان را برطرف کنم و برهنگی آنان را بپوشانم و از دیگران بی‌نیازشان سازم، این کار برای من از اینکه یک یا دو حج یا هفتاد حج بگزارم خوشایندتر است». [۲۴]

قرآن کریم نه تنها بر لزوم دستگیری از نیازمندان اصرار می‌ورزد بلکه یکی از اعمالی را که موجب دوری از خدا و گرفتاری در چنگال مجازات الهی است را عدم تشویق دیگران به اطعام نیازمندان ذکر می‌کند. [۲۵] در آیه ۳۴ سوره الحاقه نیز عدم تشویق دیگران به اطعام نیازمندان را هم‌ردیف عدم ایمان به خداوند بزرگ معرفی می‌فرماید. این مطلب اشاره به دو نکته مهم دارد: اول آنکه تنها اطعام مسکین کافی نیست، بلکه همگان وظیفه دارند یکدیگر را بر این کار خیر تشویق کنند، تا این سنت در فضای جامعه گسترش یابد. دوم آنکه نه تنها ثروتمندان جامعه اسلامی در قبال مستمندان مسئولیت سنگینی بر عهده دارند بلکه افرادی که توانایی مالی ندارند و قادر بر اطعام نیازمندان نیستند نیز نمی‌توانند نسبت به فقرا بی‌تفاوت باشند، بلکه باید دیگران را برای رسیدگی به محرومان و سیر کردن گرسنگان تشویق و تحریک نمایند.

متأسفانه برخی افراد نه تنها احساس مسئولیتی نسبت به نیازمندان ندارند و به آنان یاری نمی‌رسانند بلکه گاه با نگاه و گاه با زبان و گاه با کردار و رفتار به تحقیر آنان می‌پردازند. چنین است که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین خطبه خود، احترام به مسلمانان فقیر را به همگان گوشزد می‌کنند: «و هر کس مسلمان فقیری را برای تهییدستی‌اش اهانت کند و او را کوچک شمارد، بی‌گمان حق خدا را ناچیز شمرده و همواره مورد نفرت و بیزاری و خشم خداوند باشد تا زمانی که آن فقیر را از خود راضی گرداند و هر کس مسلمان فقیری را احترام کند، خداوند را در روز قیامت دیدار کند درحالی‌که به روی او خندان است (و خداوند متعال از او راضی است)». [۲۶]

## حس مسئولیت نسبت به نظامهای سلطه گر و مستکبر

قرآن کریم در سوره نحل پس از بیان این مهم که برای هر امتی رسولی فرستادیم، محتوا و اساس دعوت تمام پیامبران را «توحید» و «مبارزه با طاغوت» معرفی می‌فرماید، چرا که اگر پایه‌های توحید محکم نشود، و طاغوت‌ها از جوامع انسانی طرد نگردند، هیچ برنامه اصلاحی قابلیت پیاده کردن ندارد. به معنی دیگر خداپرستی با پذیرش سلطه طاغوت‌ها و ستمگران، نمی‌سازد. [۲۷]

بر پایه چنین اصلی هیچ مسلمانی اجازه ندارد در برابر ظلم و ستم ستمگران سکوت کند و یا با آنان همراه شود. بر همین اساس تکتک مسلمانان وظیفه دارند:

اول. بیگانگان ستمگر را به‌عنوان دوست و حامی و یار و یاور هرگز نپذیرند و فریب سخنان فریبنده و اظهار مهرورزی‌های به‌ظاهر صمیمانه آن‌ها را نخورند، زیرا آسیب‌های سنگینی که در طول تاریخ بر افراد با ایمان وارد شده در بسیاری از موارد از این رهگذر بوده است. قرآن کریم می‌فرماید: **يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَدُوًّا مُّبِينًا؟** [۲۸] «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! غیر از مؤمنان، کافران را ولی و تکیه‌گاه خود قرار ندهید! آیا می‌خواهید (با این عمل)، دلیل آشکاری بر ضد خود در پیشگاه خدا قرار دهید؟!».

خداوند متعال در آیه ۱۳۹ سوره نساء نیز به همه مسلمانان هشدار می‌دهد که عزت خود را در همه شئون زندگی اعم از شئون اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و مانند آن، در دوستی با دشمنان اسلام نجوید، بلکه تکیه‌گاه خود را ذات پاک خداوندی قرار دهید که سرچشمه همه عزت‌ها است چرا که غیر خدا از دشمنان اسلام نه عزتی دارند که به کسی ببخشند و نه اگر می‌داشتند قابل اعتماد بودند، زیرا هر روز که منافع آن‌ها اقتضا کند بی‌درنگ صمیمی‌ترین متحدان خود را رها کرده و به سراغ کار خویش می‌روند که گویی هرگز با هم آشنایی نداشتند، چنان‌که تاریخ معاصر شاهد بسیار گویای این واقعیت است!

دوم. خداوند در سوره آل‌عمران یکی از مهم‌ترین وظایف مسلمانان را رازداری در مقابل دشمنان برشمرده و به مؤمنان هشدار داده است تا دشمنان و بیگانگان را محرم اسرار خویش قرار ندهند، [۲۹] ولی متأسفانه برخی از این هشدار غفلت ورزیده‌اند و در نتیجه گرفتار نابسامانی‌های فراوان شده‌اند. هم‌اکنون در اطراف مسلمانان، دشمنانی هستند که ادعای دوستی می‌کنند و به‌ظاهر از مسلمانان طرفداری می‌کنند، ولی باکارهایی که از خود نشان می‌دهند، دروغ آنان آشکار می‌شود.

قرآن کریم در سوره مائده نیز این تفکر را که هر ملتی نیازمند تکیه‌گاه است و این تکیه‌گاه می‌تواند از میان بیگانگان انتخاب شود و نیز این ایده را که دوستی آن‌ها با ارزش است و روزی ثمربخش خواهد بود به‌شدت مردود می‌داند. [۳۰]

سوم. آمادگی برای دفاع در برابر ظالمان و ستمگران از جمله مهم‌ترین وظایف مسلمانان در برابر زورگویان و حکومت‌های ستمگر است قرآن کریم می‌فرماید: **وَ أَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ...!** [۳۱] «هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آن‌ها [دشمنان]، آماده سازید! و (همچنین) اسب‌های ورزیده (برای میدان نبرد)، تا به‌وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید».

معروف است که در ایام جنگ «حنین» به پیامبر صلی الله علیه و آله خبر دادند که سلاح تازه مؤثری در «یمن» اختراع شده است، پیامبر صلی الله علیه و آله بی‌درنگ کسانی را به یمن فرستاد تا آن سلاح را برای ارتش اسلام تهیه کنند! [۳۲]

چهارم. در تعالیم اسلامی هر نوع ارتباطی که به نقشه‌های ستمگران کمک کند و آنان را به اهداف شومشان نزدیک کند، سرزنش شده است. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۶۰ مسلمانانی را که برای داوری به نزد حکام می‌رفتند ملامت می‌کند و به این مهم اشاره می‌کند که پیامد مراجعه و پناه به طاغوت، سقوط به درّه هولناک است.

پنجم. قرآن کریم با مخاطب قرار دادن همه مسلمانان، عدم تکیه بر ستمگران را وظیفه همگانی معرفی می‌فرماید: **وَ لَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ!** [۳۳] «و بر ظالمان تکیه ننمایید، که موجب می‌شود آتش شما را فرا گیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی‌شوید».

بدیهی است تکیه بر ظالم، مفاسد و نابسامانی‌های فراوانی می‌آفریند و به‌جز ضعف و ناتوانی جامعه اسلامی و از دست دادن استقلال و خودکفایی و تبدیل شدن به یک عضو وابسته و ناتوان، سودی نخواهد داشت.

همچنین تکیه بر ظالمان باعث تقویت آن‌هاست و تقویت آن‌ها مایه گسترش دامنه ظلم و فساد و تباهی جامعه‌ها است.

لازم به ذکر است روابط تجاری یا علمی با جوامع غیر مسلمان، بر اساس حفظ منافع مسلمین و استقلال و ثبات جوامع اسلامی، نه داخل در مفهوم رکون و تکیه به ظالمین است و نه چیزی است که از نظر اسلام ممنوع بوده باشد و در عصر خود پیامبر صلی الله علیه و آله و اعصار بعد همواره چنین ارتباطاتی وجود داشته است. [۳۴]

ششم. مسلمان واقعی نه تنها زیر بار ظلم و زور مستکبران و ستمگران نمی‌رود بلکه اگر مسلمانان دیگر نیز برای رهایی از ظلم از او کمک و یاری خواستند، از هیچ کمکی دریغ نمی‌کند. این سخن امیر مؤمنان علیه السلام به خاطر داشته باشیم که به هنگام شهادت، به فرزندانش وصیت می‌فرماید: «كُونَا لِلظَّالِمِ خَصْمًا وَ لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا» [۳۵] «نسبت به ظالم خصم و دشمن باشید و نسبت به مظلوم، کمک‌کار (و حامی) باشید».

و نکته آخر آنکه نه تنها سوء ظن در برابر حاکمان ظلم و جور جایز بلکه در برخی مواقع لازم است. ممکن است دشمن دم از صلح و دوستی و محبت و تغییر رویه بزند و دست دوستی به سوی ما دراز کند. در این گونه موارد هرگز نباید گرفتار حسن ظن شد، و بلافاصله دست دشمن را فشرود و به او اعتماد کرد، بلکه باید احتمال داد ممکن است تمام اینها خدعه و نیرنگ و توطئه‌ای برای غافلگیر ساختن ما باشد.

روی همین اصل در فرمان معروف «مالک اشتر» آمده است: «هنگامی که با دشمنت پیمان صلح بستنی، کاملاً از او بر حذر باش، زیرا دشمن گاه نزدیک می‌شود تا طرف را غافلگیر کند، بنابراین در چنین شرایطی احتیاط را از دست نده، و دوراندیش باش، و حسن ظن خویش را متهم ساز». [۳۶]

#### حس مسئولیت در قبال طبیعت

طبیعت از جمله برجسته‌ترین آیات الهی است که تفکر و تعقل درباره عناصر و ارتباط آن‌ها با یکدیگر، انسان را به شناخت بهتر عالم وجود و در نهایت، به شناخت خالق هستی و وحدانیت او رهنمون می‌کند. اهمیت این موضوع به اندازه‌ای است که امام صادق علیه السلام در حدیث مفصلی، [۳۷] شگفتی‌های خلقت از جمله شگفتی‌های طبیعت را تشریح می‌فرماید. [۳۸]

بنابر این آب، خاک، حیوانات، دریاها، رودها، کوه‌ها، دره‌ها، نزارها، معادن، جنگل‌ها و چرگاه‌ها و... مربوط به یک گروه یا ملیت و مردم یک روزگار نیست بلکه سرمایه‌ای ملی و بخشی از منابع طبیعی بشر به حساب می‌آیند. این منابع، ثروتی است که خداوند متعال برای استفاده انسان‌ها فراهم ساخته است و تکتک افراد در برابر حفاظت از آن مسئول‌اند.

به‌عنوان نمونه اسلام نه تنها بر حفظ و نگهداری منابع طبیعی بلکه بر گسترش آن سفارش نموده است. [۳۹] امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «زندگی بدون داشتن سه چیز، بر انسان گوارا نیست: هوای تمیز، آب فراوان و گوارا و زمین حاصل خیز». [۴۰]

در مقابل هر کاری که این سلامت را به خطر بیندازد، به شدت نکوهش شده است. مرور ده‌ها سخنان از بزرگان دین بر اهمیت کاشت درخت و عدم قطع درختان، عدم شکار حیوانات به بهانه تفریح و... نشانگر مسئولیت انسان مسلمان در برابر طبیعت است

رسول خدا صلی الله علیه و آله قبل از شروع جنگ‌ها، سپاه اسلام را به تقوا سفارش کرده و آنان را به رعایت اموری توصیه می‌نمود از جمله اینکه می‌فرمود: «نخل‌ها را نسوزانید و در آب غرق نکنید، درختان میوه را قطع نکنید و زراعت را به آتش نکشید، زیرا شاید شما به آن نیازمند شوید. حیوانات حلال‌گوشت و اهلی را نکشید و از نابود کردن آن‌ها بپرهیزید مگر آن حیواناتی که ناچار به خوردن آن هستید». [۴۱]

تأمل در این نکته‌های مهم، آن‌هم در کنار دستورات جنگی نشانگر اهمیت حفظ طبیعت از دیدگاه شارع مقدس اسلام است.

بنابر این طبیعت و محیط‌زیست، موهبتی خداوندی است و همگان در برابر آن مسئول هستیم و باید در حفظ آن کوشا باشیم چرا که همان‌گونه که جاذبه‌های زیبای طبیعت، اعم از جنگل‌ها، دشت‌ها، صحراها، گل‌ها و گیاهان، از عوامل مهم ایجاد آرامش و نشاط در آدمی هستند، نابودی غیرمنطقی و غیراصولی این نعمت‌های خداوندی نیز به معنای از بین بردن نشاط و امنیت خاطر مردم و گرفتار ساختن آن‌ها به اندوه و ناامیدی و افسردگی خواهد بود. [۴۲]

#### حس مسئولیت نسبت به حیوانات

امروزه توجه جوامع به مسئله حقوق حیوانات جلب شده است. بر این اساس در دهه‌های اخیر انجمن‌های حمایت از حقوق حیوانات در دنیا راه‌اندازی شده و تبلیغات گسترده‌ای به راه انداخته‌اند؛ درحالی‌که دین مبین اسلام بیش از چهارده قرن پیش بر رعایت حقوق حیوانات سفارش بسیار نموده است.

با مروری بر تعالیم اسلامی به این مهم پی می‌بریم که حیوانات تسبیح‌گوی خداوند متعال هستند [۴۳] و از شعور و آگاهی برخوردارند [۴۴] و بهیچین حیوان تسبیح‌گوی به‌مراتب از انسان بی‌نماز و دور از معنویت بهتر است. از دیدگاه اسلام حیوانات نیز حقوقی دارند که انسان‌ها موظف به رعایت آن هستند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان حقوق حیوان بر صاحبش می‌فرماید: «حیوان، شش حق به گردن صاحب خود دارد: هرگاه از آن پیاده شد، علفش دهد؛ هرگاه از آبی گذشت، آبش دهد؛ به‌ناحق آن را نزند؛ بیشتر از قدرتش، بر آن بار نکند؛ بیشتر از توانش، آن را راه نبرد؛ و مدت زیادی روی آن درنگ نکند» [۴۵].

رعایت حق حیوانات تا جایی است که اگر کشتی در حال غرق شدن باشد و برای خلاصی از غرق کشتی طوفان زده، مجبور باشند که آن را سبک و وسایل درون آن را کم کنند و امر دایر شود بین اینکه برخی از اشیاء را به آب اندازند و یا حیوانات موجود در کشتی را، در چنین جایی حفظ جان حیوانات واجب است و به آب انداختن حیوانات جایز نیست [۴۶].

گرچه سخن پیرامون مسئولیت انسان در برابر حیوانات پرشمار است اما در این مجال به بیان چند مورد بسنده می‌کنیم.

۱. متأسفانه برخی افراد به تقلید از آموزه‌های غربی، هرگونه رفتاری را با حیوانات مجاز شمرده و نام آن را دوستی و محبت به حیوانات می‌دهند. این‌گونه انسان‌ها دوستی خود را با جراحی زیبایی حیوانات نشان می‌دهند و با هزینه‌های بسیار، گوش حیوان را نوکتیز می‌کنند و یا دم حیوان را کوتاه می‌کنند و یا به گونه‌های دیگر حیوانات را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهند. از آنجایی‌که در زمان جاهلیت نیز چنین رفتارهایی با انگیزه‌های گوناگون انجام می‌پذیرفته است، قرآن کریم در آیه ۱۱۹ سوره نساء هرگونه آزار و اذیت کردن حیوان‌ها مانند بریدن گوش و دم و... را کاری زشت و شیطانی می‌شمرد.

۲. اولیای دین به مناسبت‌های مختلف، حقوق حیوان‌ها و عدم آزار و اذیت آنان را مورد سفارش قرار می‌دادند چنانکه نقل است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله، مردی را دید که پایش را روی سینه گوسفندی گذاشته و مشغول تیز کردن کارد خود است و گوسفند به او خیره شده است. آن حضرت به او فرمود: «نمی‌توانستی قبلاً کاردت را تیز کنی؟ یا می‌خواهی جان این حیوان را دو بار بستانی؟» [۴۷].

دوری معصومان علیهم السلام از اذیت و آزار حیوانات تا جایی است که امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «امیرالمؤمنین علیه السلام، گوسفند و میشی را جلوی چشمان گوسفند و میشی که به او نگاه می‌کرد ذبح نمی‌کرد» [۴۸].

نقل است رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی مادّه شتری را دید که زانویش بسته شده و بارش همچنان بر پشت اوست، [پرسید]: صاحب او کجاست؟ به او بگوئید که خودش را برای شکایت [این شتر در روز قیامت] آماده کند. [۴۹].

بهیچین وجود گونه‌های مختلف حیوانات، جزئی از میراث ملی است و کسی حق ندارد این میراث ملی را که از گذشته‌های دور به دست ما رسیده است، نابود کند و از دسترس آیندگان خارج نماید. امروزه افزون بر شکار غیر مجاز، کم شدن پوشش گیاهی و نابود شدن جنگل‌ها و زیستگاه‌های جانوری از جمله عوامل انقراض حیوانات است.

افزون بر این حیوانات، پرندگان و آبزیان از جمله موجوداتی هستند که برای بشریت آفریده شده‌اند و جزو ثروت ملی به‌حساب می‌آیند و اگر شکار و صید آنان در زمان‌های غیرمجاز باشد و یا به تولید مثل آنان لطمه بزند، باعث تضییع بیت‌المال مسلمین شده و شکارچی و صیاد ضامن است.

پی نوشتها:

[۱]. جامع الأخبار، ص ۱۱۹.

[۲]. نساء: ۳۴.

[۳]. جامع الأخبار، ص ۱۰۳.

- [٤]. عيون أخبار الرضا، ج٢، ص ٣٨.
- [٥]. مستدرک الوسائل، ج١٤، ص ٢٥٢.
- [٦]. مجموعة ورام، ج٢، ص ١٢٢.
- [٧]. تحريم: ٦.
- [٨]. تفسير نور الثقلين، ج٥، ص ٣٧٢.
- [٩]. مجموعة ورام، ورام بن أبي فراس، ج١، ص ٦.
- [١٠]. انعام: ١٥١.
- [١١]. كنز العمال، ج١٦، ص ٤٦٣، حديث ٤٥٤٥٣.
- [١٢]. الكافي، ج٢، ص ١٥٧.
- [١٣]. الكافي، ج٢، ص ١٦٢.
- [١٤]. الكافي، ج٥، ص ١٢٤.
- [١٥]. الكافي، ج٢، ص ١٩٣.
- [١٦]. بحار الأنوار، ج٧١، ص ٣١٦.
- [١٧]. ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ١٤٦.
- [١٨]. همان، ص ١٤٨.
- [١٩]. الكافي، ج٥، ص ٣٣١.
- [٢٠]. الخصال، ج١، ص ١٤١.
- [٢١]. الكافي، ج٤، ص ٢٧.
- [٢٢]. المؤمن، ص ٤٨.
- [٢٣]. مصادقة الإخوان، ص ٦٨.
- [٢٤]. الكافي، ج٢، ص ١٩٥.
- [٢٥]. فجر: ١٨.
- [٢٦]. ثواب الأعمال و عقاب الاعمال، ص ٢٨٣.
- [٢٧]. نحل: ٣٦.
- [٢٨]. نساء: ١٤٤.
- [٢٩]. آل عمران: ١١٨.
- [٣٠]. مائده: ٥١.
- [٣١]. انفال: ٦٠.

- [۳۲]. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۲۴.
- [۳۳]. هود: ۱۱۳.
- [۳۴]. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۲۶۱.
- [۳۵]. نهج البلاغه، نامه ۴۷.
- [۳۶]. همان، نامه ۵۳.
- [۳۷]. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۵۹-۱۵۱.
- [۳۸]. این شگفتی‌ها در کتابی به نام «توحید مفضل» به چاپ رسیده است.
- [۳۹]. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۱۰.
- [۴۰]. تحف العقول، ص ۳۲۰.
- [۴۱]. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۵۹.
- [۴۲]. برگرفته از مقاله انسان و مسئولیت پذیری، زینب جعفری، مجله طوبی، شماره ۴، صفحه ۱۰۶.
- [۴۳]. جمعه: ۱، تغابن: ۱.
- [۴۴]. نحل: ۶۸-۶۹.
- [۴۵]. مکارم الأخلاق، ص ۲۶۲.
- [۴۶]. مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، ج ۱۵، ص ۳۸۳.
- [۴۷]. سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، ج ۹، ص ۷۷.
- [۴۸]. تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، ج ۹، ص ۵۶.
- [۴۹]. المحاسن، ج ۲، ص ۳۶۱.
- منبع: نشریه راه رشد وابسته به ستاد امر به معروف و نهی از منکر شماره ۱۸۷ (مرداد و شهریور ۱۳۹۶)